

دکتر رابرت سی. نیومن، انجیل‌های هم‌نوا، درس هشتم، ژانرهای انجیل

رابرت نیومن و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

خب، ما اینجا در دوره آموزشی انجیل‌های هم‌نوا هستیم. ما به بخش اول، یعنی عیسی تاریخی، بخش دوم پیشینه یهودی عهد جدید، به ویژه انجیل‌ها، بخش سوم، مقدمه‌ای بر تفسیر و ژانر روایی، و نمونه‌ای از آن در متی ۲، ملاقات با خردمندان، پرداختیم. به بخش چهارم، یعنی نویسندگان و تاریخ انجیل‌های هم‌نوا، نگاهی انداختیم که در آن به ویژگی‌ها، برخی از ویژگی‌های انجیل‌های هم‌نوا، نیز پرداختیم و بخش پنجم، یعنی ژانر تمثیل‌ها و تفسیر آنها را به پایان رساندیم و به تمثیل عیسی در متی ۲۲: ۱ تا ۱۴، ضیافت عروسی، پرداختیم.

اکنون می‌خواهیم به شماره شش در دوره خود بپردازیم، شش موضوع از طرح دوازده موضوع، و آن انجیل‌ها به عنوان آثار ادبی است. این به معنای تفکر در این زمینه است که، خب، ما از مطالعه ادبیات چه چیزی می‌توانیم در مورد چگونگی عملکرد انجیل‌ها به این شکل یاد بگیریم؟ بنابراین، اولین چیزی که می‌خواهیم از خود بپرسیم، شکل ادبی انجیل‌ها است. شکل ادبی یا ژانر کلی انجیل‌ها چیست؟ و تعدادی پیشنهاد مختلف در این راستا ارائه شده است.

ما در اینجا به چهار مورد از آنها خواهیم پرداخت: زندگینامه، پروپاگاندا، تاریخ دراماتیک و مجموعه داستان‌ها. بنابراین این مسیری است که می‌خواهیم برویم. اول از همه، زندگینامه

بدیهی است که انجیل‌ها اطلاعاتی در مورد عیسی، شخصی که واقعاً در تاریخ زندگی کرده است، ارائه می‌دهند، بنابراین مطمئناً از برخی جهات زندگینامه‌ای هستند. تعدادی از مفسران خاطرنشان کرده‌اند که آنها زندگینامه به معنای علمی مدرن نیستند، اما به عنوان زندگینامه به معنای علمی مدرن نوشته نشده‌اند. بنابراین، آنها توسط کسی که معمولاً اکنون به عنوان یک ناظر بی‌طرف و با نگرشی بی‌طرفانه ایده‌آل تلقی می‌شود، نوشته نشده‌اند، درست است؟ با این حال، بسیاری از زندگینامه‌های علمی مدرن نیز توسط افرادی با نگرش‌های بی‌طرفانه نوشته نشده‌اند.

اگر به آنها نگاه کنید، شاید برخی از آنها مطالبی برای ستایش باشند، اما شاید بیشتر اوقات، راهی برای تحقیر یا تخریب کسی باشند. آنها سعی نمی‌کنند تمام تاریخ‌ها و حقایق مهم را ارائه دهند، باشه؟ معمولاً از یک زندگینامه‌نویس انتظار می‌رود که سعی کند تمام اطلاعات مهمی را که می‌توان در مورد شخص دانست، ارائه دهد، مثلاً اینکه او چه زمانی متولد شده و ما در مورد دوران کودکی او چه می‌دانیم و از این قبیل چیزها، و به نظر نمی‌رسد که نویسندگان انجیل این کار را انجام دهند. برخی از زندگینامه‌هایی که امروزه نوشته می‌شوند، خاطرات شخصی یا مطالعات شخصیتی یا چیزی از این قبیل هستند، و انجیل‌ها اساساً اینگونه نیستند.

ما فکر می‌کنیم که آنها شامل خاطرات شخصی هستند، اما به این شکل ساختار نیافته‌اند، بنابراین نویسندگان خود را مطرح نمی‌کنند، همانطور که قبلاً در این جهت دیده‌ایم. با این حال، انجیل‌ها در واقع بیشتر شبیه یک زندگینامه به معنای رایج باستانی هستند. یعنی اینکه چگونه زندگینامه‌ها در دوران باستان نوشته می‌شدند و چگونه برای مخاطبان گسترده‌تر نوشته می‌شدند.

بنابراین، برای مثال، زندگی‌نامه‌های عامه‌پسند باستانی با دغدغه‌های عملی نوشته می‌شدند و اغلب برای نوعی نصیحت استفاده می‌شدند، اینکه نویسندگان قصد داشته از این شخص خاص تقلید کنید، یا اگر او شاید مجموعه‌ای از زندگی‌نامه‌ها را می‌نوشت که در آن افراد خوب و افراد بد وجود داشتند، از شما می‌خواست که از تقلید از این شخص به هر دلیلی خودداری کنید. زندگی‌نامه‌های باستانی قصد داشتند خواننده را با شخصیت تاریخی آشنا کنند، و مطمئناً می‌توانیم بگوییم که هدف انجیل‌های کتاب مقدس در عهد جدید نیز

همین بوده است. زندگی‌نامه‌های باستانی قصد داشتند تا حدودی اعمال و سخنان این شخص را شرح دهند، بدون اینکه شاید قصد داشته باشند هر آنچه را که می‌توان گفت ارائه دهند، و این همان کاری است که عهد جدید، همان کاری که انجیل‌ها انجام می‌دهند، و در واقع، یوحنا به صراحت در پایان انجیل خود به ما می‌گوید که چیزهای بیشتری می‌توان گفت، اما این گفته شده است، و این هدف آن است.

هدف آن این است که شما باور کنید عیسی مسیح است و از طریق نام او می‌توانید زندگی داشته باشید. شباهت‌هایی در انجیل‌ها با زندگی‌نامه‌های باستانی درباره سقراط، فیلسوف یونانی اپیکتتوس، قرن دوم میلادی، و یک مرشد مذهبی، مثلاً آپولونیوس تیانا، که او هم از قرن دوم میلادی است، وجود دارد. اما انجیل‌ها، برخلاف این زندگی‌نامه‌های عامه‌پسند باستانی، بر مرگ عیسی و واکنش‌ها به عیسی تمرکز دارند و در این زمینه‌ها، فکر می‌کنم یا به عنوان زندگی‌نامه‌های عامه‌پسند باستانی غیرمعمول هستند، اما هنوز هم مایلم بگویم که زندگی‌نامه ژانری در واقع نزدیک‌ترین چیزی است که ما در دوران باستان به این انجیل‌های خاص داریم.

برخی گفته‌اند که انجیل‌ها تبلیغات هستند، که البته بار معنایی بسیار منفی دارد. روابط عمومی نیز بار معنایی منفی دارد - تبلیغ برای فروش، هیاهو و غیره.

خب، انجیل‌ها می‌خواهند خوانندگان را متقاعد کنند که عیسی از اهمیت حیاتی برخوردار است و آنها را به واکنش مناسب به او سوق دهند، اما فاقد بسیاری از ویژگی‌هایی هستند که آن اظهارات دیگر، انواع دیگر برچسب‌ها، القا می‌کنند. پروپاگاندا، همانطور که از نامش پیداست، به دنبال تبلیغ ایده‌ها یا نگرش‌های خاصی است، اما اکنون معمولاً کلمه‌ای زشت است زیرا اغلب با حقیقت بازی می‌کند و به وقایع جلوه خاصی می‌دهد. معمولاً شامل کار بر روی ترس‌ها یا تعصبات مردم یا تلاش برای تحریک احساسات نیز می‌شود، و جالب اینجاست که انجیل‌ها هیچ یک از این کارها را انجام نمی‌دهند.

آنها سعی نمی‌کنند به وقایع جلوه خاصی بدهند. آنها معمولاً به شما اجازه می‌دهند ببینید عیسی چه گفته و چه کرده است، و اشاره می‌کنند که انواع مختلفی از واکنش‌ها و غیره وجود دارد، و بدون شک، اگر شخصی از قبل مسیحی معتقدی باشد، می‌تواند ببیند که اینها واکنش‌های بدی به عیسی هستند و اینها واکنش‌های خوبی هستند و غیره، اما نویسندگان چیز زیادی در مورد این نمی‌گویند. نویسندگان انجیل سعی دارند، خواننده را به واکنش دعوت کنند، اما این واکنش عمدتاً صرفاً جلب توجه شما به او یا تحسین او نیست. اگرچه اینها قطعاً در این امر دخیل هستند.

در درجه اول، آنچه آنها سعی در برانگیختن آن دارند، واکنشی از ایمان یا اعتماد به عیسی است، و آنها واقعاً این کار را در درجه اول انجام نمی‌دهند، بلکه چیزی است که ما آن را به عنوان دعوت به قربانگاه یا چیزی شبیه به آن می‌دانیم، که البته، چیزی شبیه به آن را در برخی از سخنرانی‌های استیفان خواهیم دید، خب شاید بهترین مثال استیفان نباشد، سخنرانی پطرس در اعمال رسولان، و سخنرانی پولس در آنجا، و از این قبیل چیزها. نویسندگان انجیل در واقع از این نظر تعجب‌آور هستند که، اولاً، آنها ایمان پس از عید پاک خود را در بیان داستان محدود می‌کنند، بنابراین آنها قبل از این به قیام عیسی از مردگان اشاره نمی‌کنند، جز اینکه عیسی این را در چند مکان پیش‌بینی می‌کند، اما او پیش‌بینی می‌کند که همراه با مرگ و شاگردان واقعاً آماده شنیدن کل آن بسته نیستند. و آنها اجازه می‌دهند وقایع خدمت عیسی داستان خود را روایت کند، نه اینکه بارها و بارها از طریق انجیل‌ها نظرات ارزیابی ارائه دهند.

هر از گاهی، شما یک نظر ارزیابی‌کننده دارید، اما تعداد آنها زیاد نیست. بنابراین بله، انجیل‌ها سعی در تبلیغ اعتماد به عیسی دارند، اما این کار را به روشی که ما از تبلیغات تصور می‌کنیم، انجام نمی‌دهند. پیشنهاد سوم برای شکل ادبی انجیل‌ها، تاریخ‌دراماتیک است.

و، بله، انجیل‌ها داستانی دراماتیک از شخصیت‌ها، اعمال و تأثیر عیسی، که شخصیتی واقعی در تاریخ است، روایت می‌کنند و از برخی جهات بیشتر شبیه نمایشنامه‌ها هستند، دراماتیک در تاریخ دراماتیک، تا روایت‌های مدرن. رولند فرای، منتقد ادبی در دانشگاه پنسیلوانیا، معتقد است که انجیل‌ها باید به عنوان تاریخ‌های دراماتیک طبقه‌بندی شوند و او انجیل‌ها را با نمایشنامه‌های تاریخی ویلیام شکسپیر، که البته او نیز تعدادی تاریخ دراماتیک دارد، و با نمایشنامه جورج برنارد شاو، به ویژه آن سنت جوان، مقایسه می‌کند. خوب، ویژگی‌های تاریخ دراماتیک چیست؟ فرای می‌گوید، خوب، اساساً یک تاریخ دراماتیک اساساً بازنمایی منصفانه‌ای از وقایع است، بنابراین چیزی نیست که ما در آن اختراع زیادی کرده باشیم. این به شما می‌گوید که چه اتفاقی افتاده است.

یک تاریخ دراماتیک مخاطب عام وسیعی دارد، بنابراین اگر بخواهید، هدف آن درگیر کردن آنهاست، اما یک تاریخ دراماتیک باید زمینه زیادی را در فضای کمی پوشش دهد، بنابراین خلاصه‌سازی برای جلب توجه، حفظ توجه و غیره بسیار مهم است. و فکر می‌کنم این موضوع در انجیل‌ها نیز اهمیت دارد، تا حدودی گمان می‌کنم، به همین دلیل، و تا حدودی شاید به این دلیل که کتاب‌ها در دوران باستان گران بودند، و بنابراین اگرچه جوزفوس، می‌دانید، از هفت جلد برای تاریخ یهودیان، ببخشید، جنگ یهودیان، و 20 جلد برای آثار باستانی خود استفاده می‌کند، و این جلدها تقریباً به اندازه یک رول پاپیروس استاندارد هستند، او برای مخاطبان مرفه می‌نویسد، و مسیحیت مخاطبان گسترده‌تری را هدف قرار داده است، که شامل افرادی می‌شود که قادر به پرداخت این نوع چیزها نیستند، بنابراین فکر می‌کنم یک فرد عادی، اگر بخواهد برای آن پول بدهد، می‌تواند یک یا دو جلد، از این قبیل چیزها را بخرد، بنابراین معمولاً انجیل‌ها به این شکل طراحی شده‌اند. بنابراین، تراکم مهم است، و به نظر من بخشی از آن، باعث جذب و حفظ حضور می‌شود، و بخشی از آن به دلایل مالی است.

روش کلیدی در تاریخ دراماتیک استفاده از افراد نمونه یا نماینده است، به طوری که این شخص با انواع افراد تعامل داشته باشد، چند نمونه از انواع مختلف را انتخاب کنید، خوب، مثلاً پیروان نمونه، رقیب نمونه از این قبیل چیزها، برای استفاده از یک نمونه یا رویداد نمونه، شما زندگی آن شخص را پوشش می‌دهید، اما نمی‌توانید جزئیات زندگی را پوشش دهید، خیلی پیچیده است، اما هدف از این افراد، رویدادها و اعمال نماینده، اعمال شخصی که تاریخچه‌اش را ارائه می‌دهید، ارائه تصویری دقیق در عین حفظ طول در محدوده مشخص است، و من فکر می‌کنم که این، باز هم، با کاری که انجیل‌ها انجام می‌دهند بسیار خوب مطابقت دارد. پیشنهاد چهارم این است که آیا آنها مجموعه هستند، ژانرشان چیست، اگر دوست دارید، مجموعه داستان‌ها، خوب، می‌توانید در طول تاریخ مکان‌هایی را پیدا کنید که مجموعه داستان‌هایی از یک نوع یا نوع دیگر دارند، می‌دانید، داستان‌هایی درباره رابین هود، یا داستان‌هایی درباره جورج واشنگتن، یا داستان‌هایی درباره آبراهام لینکلن و غیره، و برخی از اینها احتمالاً افسانه‌ای هستند، برخی از اینها در واقع تاریخی هستند اما مجموعه‌ای از چیزهایی هستند که این کار را انجام می‌دهند. خوب، انجیل‌ها در مقایسه با زندگی‌نامه‌های مدرن، از این جهت که مجموعه‌ای از داستان‌ها، یعنی وقایع، سخنرانی‌ها و گفته‌های عیسی هستند، بسیار قابل توجه هستند و این به انجیل‌ها اجازه می‌دهد تا به گونه‌ای عمل کنند که یک زندگی‌نامه، به ویژه زندگی‌نامه‌ای که سعی می‌کند به طور یکنواخت زندگی شخص را پوشش دهد، نمی‌تواند به خوبی از عهده آن برآید.

برای مثال، با استفاده از مجموعه‌ای از داستان‌ها برای گردآوری یک زندگی‌نامه با انتخاب درست داستان‌ها، و مواردی از این دست، می‌توانید زندگی‌نامه را بسیار پرمجا تر از آنچه در حالت عادی بود، بسازید. بنابراین شما از داستان‌های کوتاه متعددی استفاده می‌کنید که امکان کنش بیشتری را نسبت به یک روایت واحد و مرتبط که در آن سعی می‌کنید همه چیز را دنبال کنید، فراهم می‌کند. در انجیل‌ها جاهایی وجود دارد که در آن‌ها یک روایت واحد و مرتبط برای حدود یک روز دارید، اما معمولاً بیشتر از آن نیست.

این مجموعه داستان‌ها که نمایانگر هر انجیل هستند، بر عیسی متمرکز شده‌اند، بنابراین شما به شخصیت و کارهای او نگاه می‌کنید و کارهایی را که انجام داده توضیح می‌دهید و تجلیل می‌کنید. در واقع توضیح یا تجلیل زیادی وجود ندارد. این، باز هم، بیشتر جنبه‌ی ارزیابی دارد و زیاد از این چیزها نیست. شما می‌توانید از روایت به راحتی در مقایسه با مجموعه‌ای از داستان‌ها برای نشان دادن اعمال عیسی، سخنان عیسی و واکنش دیگران به او استفاده کنید، و در واقع می‌توانید با تعدادی از حکایات موجود در انجیل‌ها ببینید که برخی از آنها بر آن اعمال و برخی دیگر بر آن سخنان تمرکز دارند، و برخی از آنها موضوع اصلی، واکنش‌های متنوع به او و از این قبیل موارد است.

استفاده از مجموعه‌ای از داستان‌ها به شما این امکان را می‌دهد که از مطالب متنوع نیز استفاده کنید. تعدادی از افراد فکر می‌کنند که این داستان‌ها قبل از گردآوری، به طور مستقل مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. منتقدان انجمن می‌گویند که این مطالب به طور مستقل منتشر می‌شدند و من فکر می‌کنم احتمالاً تا حدودی این درست است، اما من پیشنهاد می‌کنم که آنها به طور مستقل توسط رسولان و سایر شاهدان عینی مورد استفاده قرار می‌گرفتند، زیرا آنها به عنوان حکایات جداگانه از مکانی به مکان دیگر می‌رفتند، اما آنها می‌دانستند که چگونه این داستان‌ها با هم مرتبط می‌شوند و آن اطلاعات هرگز از بین نمی‌رفت.

ما دسته‌های مختلفی از روایت‌های کوتاه را پیدا می‌کنیم، و شما لیست ریکن را در بالا به خاطر دارید، جایی که ما به انواع مختلف روایت‌ها نگاه کردیم: روایت‌های رویارویی، روایت‌های شور و شوق، روایت‌های تولد روایت‌های جنجالی و چیزهایی از این قبیل. استفاده از مجموعه‌ای از داستان‌ها به شما این امکان را می‌دهد که در برخی از آنها، رویدادها را ترسیم کنید و در برخی دیگر، جزئیات یک رویداد خاص را شرح دهید و به شما این امکان را می‌دهد که گفتگوهای داشته باشید که به جای گفتمان، فقط عیسی صحبت می‌کند، و همچنین چیزهایی از این قبیل. به همین ترتیب، در نحوه کنار هم قرار دادن انجیل‌ها، سخنان عیسی را دارید، و برخی از آنها فقط گفته‌های کوتاه، تقریباً گزیده‌های صوتی، نابینایی که نابینای دیگری را هدایت می‌کند، آنچه را که متعلق به قیصر است به قیصر و آنچه را که متعلق به خداست به خدا پس می‌دهید، و برخی دیگر گفتمان‌های مفصلی مانند خطبه سر کوه یا گفتمان زیتون هستند، و سپس برخی دیگر شکل تمثیلی به خود می‌گیرند، و بنابراین این به شما امکان می‌دهد تنوع زیادی به دست آورید و دیدگاه‌های مختلفی را در مورد اینکه عیسی چگونه بود، چه چیزی را آموزش داد و چه کاری انجام داد، ببینید.

خب، این بحث کوچکی در مورد ژانر است. در مورد این موضوع و تلاش برای کنار هم قرار دادن همه چیز باید بگویم که انجیل‌ها اساساً زندگینامه هستند. عملکرد آنها حتی احتمالاً کمی متفاوت از زندگینامه‌های باستانی است، زیرا این نوع داستان را با وقایع خاص خود همراه دارند، بنابراین برخی از این موارد را در زندگینامه‌های باستانی خواهید دید، و اینکه آنها به دنبال این هستند که مردم به عیسی ایمان بیاورند، اما در غیر این صورت از چیزهای کلی که در تبلیغات می‌بینیم دوری می‌کنند، اما از برخی جهات شبیه یک تاریخ دراماتیک هستند که در آن نشان می‌دهید و به فرد اجازه می‌دهید در مدت زمان کوتاهی، درام آنچه در آمدن عیسی و موارد دیگر اتفاق می‌افتد را درک کند.

ما برمی‌گردیم تا کمی در مورد تکنیک‌های به کار رفته در انجیل‌ها فکر کنیم، و من قصد دارم یک سری تکنیک را اینجا به شما ارائه دهم. بگذارید ببینم چقدر بزرگ است، فقط شش تا حدس می‌زنم. اول از همه می‌بینیم که یکی از تکنیک‌های نویسندگان انجیل، خویش‌ن‌داری و بی‌طرفی است.

انجیل‌ها غیرمعمول هستند و حتی برخلاف بیشتر زندگینامه‌های باستانی، نویسندگان به عیسی اجازه صحبت می‌دهند. آن‌ها سعی نمی‌کنند خواننده را با آنچه ما نظرات ارزیابی می‌نامیم، متقاعد یا تحت تأثیر قرار دهند. تنها کاری که آن‌ها در این راستا انجام می‌دهند، تنها تکنیکی که در این راستا استفاده می‌کنند، انتخاب وقایع است.

بنابراین، با تأکید بر برخی وقایع و نه برخی دیگر، آنها می‌توانند توجه شما را به آنچه عیسی ادعا کرد و نحوه واکنش مردم به آن جلب کنند. ثانیاً، ما روایت‌های فشرده و مختصری داریم. به ویژه در انجیل‌های هم‌نوا که حتی در تضاد با انجیل یوحنا است، بیشتر وقایع صحنه‌های واحدی با چند بازیگر هستند، که اغلب گروهی به عنوان یک واحد عمل می‌کنند.

اگر دوست داشته باشید، اینها ویژگی‌های داستان‌سرایی هستند و با استفاده بسیار مختصر از کلمات روایت می‌شوند. انجیل یوحنا معمولاً با روایت‌های کمتر، اما با روایت‌های طولانی‌تر و مفصل‌تر و کمتر از این نوع تکنیک‌ها کار می‌کند. سوم اینکه، علاوه بر خویشن‌داری و بی‌طرفی و روایت‌های مختصر و فشرده، روایت بسیار ملموس است.

روایت‌های کوتاه اگر خلاصه‌های کلی باشند، می‌توانند خیلی راحت بی‌مزه شوند، و اگر بگویید، خب، عیسی مدتی در پایان عصر یا چیزی شبیه به آن صحبت کرد، می‌دانید، شما چیزی می‌گویید، اما چیز زیادی نمی‌گویید. می‌توان با ارائه وقایع خاص با استفاده از توصیفات کوتاه و واضح، چیزی شبیه به طرح یک هنرمند، از این خطر جلوگیری کرد، جایی که یک هنرمند می‌تواند ظاهر یک شخص را با چیزی حدود ۲۰ خط، ارائه دهد، در حالی که اگر سعی داشتید چیزی را که می‌خواهید بگویید، به صورت گرافیکی نشان دهید ممکن است به هزار پیکسل یا چیزی شبیه به آن نیاز داشته باشید، اما تکنیکی وجود دارد که به شما امکان می‌دهد آن را به دست آورید. بنابراین، نویسندگان انجیل از وقایع خاص، توصیفات کوتاه و واضح و گفتمان مستقیم استفاده می‌کنند.

خب، شخص صحبت می‌کند، حریف یا شخصی که به دنبال شفا یا چیزی شبیه به آن است صحبت می‌کند و غیره، به جای اینکه نویسنده زمانی را صرف توصیف شخصیت او کند. گاهی اوقات، او این کار را انجام می‌دهد، بنابراین ما کمی شخصیت‌پردازی از دیورده‌ای که در غارها زندگی می‌کرده و غیره و از این قبیل چیزها را می‌بینیم، اما نه زیاد. شخصیت‌پردازی اغلب توسط کلمات و اعمال بازیگر در آن حادثه خاص ارائه می‌شود، نه توسط گفته‌های خاص نویسنده انجیل.

تکنیک چهارم، انتخاب مطالب است. ظاهراً نویسندگان طیف گسترده‌ای از وقایع را در اختیار دارند که می‌توانستند از میان آنها انتخاب کنند و مواردی را که قرار است بازگو کنند، انتخاب می‌کنند و سپس به نحوه استفاده از آن فکر می‌کنند. بنابراین، بدون استفاده واقعی از کلمات ارزیابی، نویسنده می‌تواند تأکید خود را با میزان فضایی که به یک واقعه خاص یا یک مورد خاص در آن واقعه اختصاص می‌دهد، چه از گفتگو استفاده کند و چه از نوعی خلاصه، و چه انتظاراتی را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند، منتقل کند.

خب، انتخاب مواد. دوباره یادتان هست، یوحنا به ما می‌گوید که عیسی انواع و اقسام این کارها را انجام داد، اما اینها انتخاب شده، برگزیده و غیره بوده‌اند، که شاید بدانید. تکنیک پنجم، تنوع است.

نویسنده مطالب خود را به روش‌های مختلف دسته‌بندی می‌کند، گاهی اعمال عیسی را با سخنانش، معجزات را با جنجال‌ها، پیروان را با مخالفان جایگزین می‌کند و این به حفظ توجه خواننده کمک می‌کند، یا اگر با صدای بلند خوانده شود، به حفظ توجه شنوندگان کمک می‌کند. تکنیک ششم نمونه‌برداری است. نویسندگان انجیل ظاهراً به جای تلاش برای ارائه گزارش کامل، نمونه‌هایی از گفتار و اعمال عیسی را به ما ارائه می‌دهند.

اینها معمولاً نمونه‌هایی از انواع معجزاتی هستند که عیسی انجام داد، انواع مختلف افرادی که با آنها تعامل داشت، انواع مخالفت‌هایی که با آنها روبرو شد و انواع سخنرانی‌هایی که در مناسبت‌های مختلف ایراد کرد، بنابراین برخی از تکنیک‌های اینجا، و بسیاری از اینها به لیلاند رایکن برمی‌گردد، خویشن‌داری و بی‌طرفی

روایت‌های مختصر و فشرده، روایت بسیار ملموس، انتخاب مطالب، تنوع و نمونه‌برداری. ما چند کلمه در مورد سخنرانی‌های عیسی می‌بینیم.

برخی از ویژگی‌های معمول گفتار عیسی همانطور که در انجیل‌ها نشان داده شده است. فکر می‌کنم رایکن دوباره اینجا می‌گوید که سخنرانی‌های عیسی با ویژگی‌هایی مانند پندآمیز، شاعرانه، الگودار، انقلابی، تلفیقی از ژانرها و ساختارمند بودن مشخص می‌شوند. بیابید خیلی سریع از این موارد عبور کنیم و کمی در مورد آنها فکر کنیم.

آفورستیکی، باشه، شاید من با این اصطلاح آشنا نباشم، اما اگه دوست دارید به معنی کوتاهه. کلمات عیسی معمولاً مختصر هستند، تقریباً مثل تکه کلام‌های امروزی. این به نظرم جالب اومد، یه بار در مورد الهیات تکه کلام سخنرانی کردم، اینکه چطور عیسی تونسته چیزهای مهم الهیاتی رو در جملات تکی بیان کنه. و غیره.

سخنان عیسی معمولاً کوتاه است، تقریباً مانند تکه کلام‌های امروزی، اما سخنان عیسی با ساختار و بازی با کلمات به یاد ماندنی می‌شوند. امروزه در تماشای اخبار تلویزیون یا چیزی شبیه به آن تکه کلام‌های زیادی می‌بینید، اما بسیاری از آنها را یک روز پس از گفته شدن فراموش می‌کنید، اما تکنیک عیسی در استفاده از ساختار، بنابراین شما موازی‌سازی و چیزهای مختلفی مانند آن، اغراق و موارد مشابه، و همچنین نوعی بازی با کلمات را دارید، به ما این امکان را می‌دهد که برخی از سخنان عیسی را به خاطر بسپاریم. سخنان عیسی اغلب شبیه ضرب‌المثل است: قضاوت نکنید، وگرنه شما نیز قضاوت خواهید شد.

اگر کور، کور دیگر را هدایت کند، هر دو به چاه خواهند افتاد. کلام عیسی شاعرانه است. به یاد داشته باشید که شعر عبری قافیه ندارد و اگر وزن داشت، ما به خوبی نمی‌توانستیم وزن را بفهمیم، اما عیسی اغلب از توازی عبری استفاده می‌کند.

او از تصاویر ملموس استفاده می‌کند، و این نوع تصویرسازی، چیزی بسیار خاص به جای چیزی بسیار انتزاعی، از ویژگی‌های شعر است. او از استعاره، تشبیه، پارادوکس و اغراق استفاده می‌کند. گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسان‌تر از ورود یک مرد ثروتمند به بهشت است.

اگر دوست دارید، در ذهنتان بماند. سخنرانی عیسی الگویی دارد و پر از تکرار است. شنیده‌اید که این گفته شده، اما به شما می‌گویم، او حدود پنج بار از این عبارت استفاده می‌کند تا مشخص کند که پارسایی واقعی چیست، در مقابل آنچه ما پارسایی قلابی یا فیض ارزان یا چیزی شبیه به آن می‌نامیم.

او بین خطوط تعادل برقرار می‌کند، و این دوباره به نوعی توازی برمی‌گردد. در اینجا مثالی از تکرار و تعادل آورده شده است. بخواهید و به شما داده خواهد شد. بجوید و خواهید یافت. بگوید و در به روی شما باز خواهد شد.

ویژگی پنجم، که رایت می‌تواند از سخنان عیسی بشنود، براندازانه است و برخی از مردم از آن به روش‌های نسبتاً نامطلوبی استفاده کرده‌اند، اما عیسی به طرز فکر روزمره ما حمله می‌کند.

او ارزش‌های متعارف ما را تضعیف می‌کند. عیسی ارزش‌های واقعی کتاب مقدس را تضعیف نمی‌کند، اما اغلب شیوه‌ای را که این ارزش‌ها در میان افرادی که صرفاً به طور متعارف مذهبی هستند، ساده یا بی‌اهمیت جلوه داده شده‌اند یا چیزی شبیه به این، تضعیف می‌کند. به عنوان مثال، خوشحال‌ها را به عنوان روشی در نظر بگیرید که شیوه تفکر روزمره ما را تضعیف می‌کند.

خوشا به حال فقرا. چه کسی عموماً فکر می‌کند فقرا خوشا به حالشان؟ مطمئناً این یک طرز فکر استاندارد نیست. خوشا به حال کسانی که سوگواری می‌کنند.

ما معمولاً سعی می‌کنیم تا حد امکان از افرادی که سوگواری می‌کنند دوری کنیم. خوشا به حال افراد آرام و غیره، و به قول کینگ جیمز، فروتن و غیره، و در عصر خودنمایی، فروتنی عموماً راه به جایی نمی‌برد. با این حال، عیسی می‌گوید اگر بخواهید، پادشاهی آسمان به فقیران در روح تعلق دارد، کسانی که سوگواری می‌کنند روزی تسلی خواهند یافت.

کسانی که ملایم هستند، زمین را به ارث خواهند برد، نه قدرتمندان، و قاطعان و از این قبیل کسانی هستند که زمین را به ارث خواهند برد. بنابراین، روشی که جامعه به طور کلی برای پیشرفت در نظر می‌گیرد، چه جوامع مدرن و چه جوامع باستانی، اگر دوست داشته باشید، توسط این موارد خاص تضعیف می‌شود. عیسی اغلب در سخنرانی‌های خود ژانرهای مختلفی را گرد هم می‌آورد.

برای مثال، رایکن معتقد است که خطبه بالای کوه با «خوشحال‌ها»، «جملات متبرکه «و» اوکی «شروع می‌شود که از ویژگی‌های برخی از مزامیر هستند. در ابتدا نه مورد از این عبارات وجود دارد. سپس، او طرح‌هایی از شخصیت‌ها ارائه می‌دهد.

به یاد داشته باشید که روزه گرفتن منافقین، اگر دوست دارید، نمونه خوبی از یک طرح شخصیت کوچک است. او از یک ضرب‌المثل استفاده می‌کند: قضاوت نکن، وگرنه تو هم قضاوت خواهی شد. او از طنز ایده انجام جراحی چشم با بینایی بد، مردی که چوب در چشمش دارد و غیره استفاده می‌کند.

او از چیزهایی به سبک غزل استفاده می‌کند: شما نور جهان هستید، تمثیل، سازندگان خردمند و نادان، دعا و دعای ربانی. بنابراین، ما مجموعه‌ای از ژانرها را می‌بینیم که در یک سخنرانی نسبتاً کوتاه گرد هم آمده‌اند که برای موعظه‌ها و امثال آن امروزه توسط کشیشان و غیره بسیار غیرمعمول است. رایکن می‌گوید که موعظه به طور کلی ادبیات آرمان‌شهری است.

هیچ جامعه‌ای مانند این روی زمین وجود ندارد، هرچند فکر می‌کنم اشاره‌ی عیسی این است که این چیزی است که پیروان من باید به دنبال ایجاد آن باشند، جامعه‌ای مانند این. می‌توان گفت که این یک سخنرانی افتتاحیه است. عیسی در حال ترسیم نقشه‌ای است که می‌خواهد پادشاهی‌اش چگونه باشد و او، به عنوان پادشاه، برای حرکت در آن مسیر چه خواهد کرد.

و موعظه بالای کوه، ادبیات حکمت‌آمیز است. ساختارهای زیادی دارد که در این راستا قرار می‌گیرند. در نهایت، رایکن معتقد است که سخنرانی‌های عیسی ساختارمند هستند و می‌گوید که آنها ساده هستند؛ آنها بسیار هنرمندانه هستند.

این چیزی بود که شخصاً خیلی به ذهنم رسید، در دانشگاه دوک، دوره‌های تاریخ عهد عتیق و جدید، و بعد در دانشگاه پنسیلوانیا، و چند چیز که یکی از آنها در مورد عیسی بود، گذراندم، که شما این ایده را به دست آوردید، خب، یک موضع لیبرال اغلب این است که متی یا هر کسی که گردآورنده انجیل متی بوده، کلی گفته از عیسی داشته و آنها را به نوعی کنار هم چیده است و غیره. اما به نظرم رسید که نه، آنها خیلی منظم هستند. در سازماندهی آنها نبوغ وجود دارد، در محتوای آنها نبوغ وجود دارد و غیره.

و بنابراین، ما قصد داریم عیسی را که محتمل‌ترین نامزد است، با برخی از نوابغ ناشناخته در تاریخ کلیسای اولیه در قرن اول جایگزین کنیم. مضامین بسیار هنری، تک‌موضوعی یا نمونه‌های سه‌گانه، اغلب بخشی از

ساختار، اگر دوست دارید، سخنرانی‌های عیسی هستند. و این چیزی است که رایکن در کتاب «کلمات زندگی»، صفحه ۱۲۰، می‌گوید.

هنر طراحی کاملاً مشهود است. هیچ دلیلی وجود ندارد که این موعظه به شکل فعلی‌اش دقیقاً شبیه موعظه‌های طولانی‌تر عیسی نباشد. بنابراین، فکر می‌کنم او هم واکنشی مشابه به این دارد.

خب، در اینجا یک مرجع وجود دارد که این بخش را به پایان می‌رسانیم، و باز هم، می‌توان در مورد انجیل‌ها به عنوان آثار ادبی بیشتر گفت، اما لیلاند رایکن بخش زیادی از این کار را از دیدگاه انجیلی انجام داده است. به کتاب «کلمات زندگی» او مراجعه کنید، مقدمه‌ای ادبی بر عهد جدید، که در «کلمات لذت» به کل کتاب مقدس گسترش یافته است. بنابراین، این کتاب یک بخش عهد عتیق دارد و سپس این «کلام زندگی» در آن گنجانده شده است.

به نام «فرهنگ تصاویر کتاب InterVarsity Press رایکن همچنین یکی از ویراستاران اصلی اثر مرجع مقدس» بود که مطالب بسیار مفیدی نیز دارد. خب، خب، فکر می‌کنم این پایان چیزی است که می‌خواهیم امروز به آن پردازیم. بنابراین ما اکنون شش بخش از دوازده بخش دوره انجیل‌های هم‌نوا را بررسی کرده‌ایم و شش بخش دیگر هم داریم.

بگذارید فقط آنها را اینجا برایتان شرح دهم و بعد تمام می‌کنیم. ما قبلاً به عیسی تاریخی، پیشینه یهودی مقدمه‌ای بر تفسیر و ژانر روایی، نویسنده، تاریخ، انجیل‌های هم‌نوا، شامل شخصیت‌پردازی‌ها، تفسیر تمثیل‌ها و انجیل به عنوان آثار ادبی پرداخته‌ایم. به خواست خدا، در آینده می‌خواهیم به مسئله انجیل‌های هم‌نوا، رابطه بین متی، مرقس و لوقا، جغرافیای فلسطین و اورشلیم، ژانر روایت‌های معجزات و نحوه تفسیر آنها، الهیات انجیل‌های هم‌نوا، تفکر در مورد الهیات کتاب مقدس انجیل‌های هم‌نوا، نحوه ساختار الهیات انجیل‌های هم‌نوا، نوع اصطلاحات مورد استفاده، تأکید آنها (اگر دوست دارید) و سپس نحوه تفسیر روایت‌های بحث‌برانگیز پردازیم و در نهایت، به نقد شکلی و نقد ویرایشی خواهیم پرداخت.

باشه، خیلی ممنون.